

پیامدهای سیاسی-اقتصادی مدیریت ژئوپلیتیک تنگه هرمز در سیاست خارجی ج.ا.ایران بر امنیت خلیج فارس

علی امیری^۱ تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۰

علی محمد حقیقی^۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/ ۲۳

غفار زارعی^۳

چکیده

مجموعه ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی و ژئواستراتژیک تنگه هرمز به آن موقعیت راهبردی ویژه‌ای داده‌اند که مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار دارد هر یک از آن‌ها برای گسترش اقتدار و کنترل خود بر تنگه می‌کوشند. از همین رو، مسئله امنیت و مدیریت ژئوپلیتیک تنگه هرمز توسط ایران بحثی در ساختار امنیتی منطقه است و در ساختار امنیتی منطقه خلیج فارس جمهوری اسلامی ایران رویکرد دفاعی-تهاجمی را با توجه به حضور آمریکا در خلیج فارس به عنوان به عنوان تهدید امنیتی اتخاذ کرده است. به گونه ای که عوامل تنش زا در تنگه هرمز چنانچه تبدیل به تهدیدی جدی شود و امنیت ایران را با خطر مواجه کند بازدارندگی امنیتی در خلیج فارس از نظر ایران با امنیت عبور انرژی از تنگه هرمز ربط می یابد. در همین راستا، پرسش پژوهش حاضر این است که مدیریت ژئوپلیتیک تنگه هرمز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه پیامدهای سیاسی اقتصادی بر امنیت خلیج فارس دارد؟ فرضیه این پژوهش بیان می دارد که تنگه هرمز می تواند نقش نظامی و دفاعی برای در امان ماندن از تهاجم نیروهای فرامنطقه ای داشته باشد و برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقطه فشار بر اقتصاد جهانی (اگر منافعش دچار بحران شود)، استفاده خواهد کرد. با توجه به وابستگی قدرتهای جهانی به نفت خلیج فارس، قطع نفت از این تنگه به اقتصاد آنان ضربه جبران ناپذیری وارد می کند.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، امنیت خلیج فارس، تنگه هرمز، توان نظامی ایران، قدرت های نوظهور.

^۱ . دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

^۲ . استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول) - am-

haghighi@yahoo.com

^۳ . استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران ghafarzarei@yahoo.com

۱. مقدمه

تنگه ها به عنوان گذرگاه های طبیعی دریایی هستند که در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها و استراتژی های نظامی بری و بحری، مورد توجه قرار می گیرند در نتیجه این مهم در این مناطق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی ک با هم منطبق می شوند؛ این موقعیت ها به کشور مجاور امکان می دهد تا رفت و آمد در تنگه ها را کنترل کند و به همین دلیل آن ها دارای ارزش استراتژیکی هستند بنابراین با توجه به اهمیت سوق الجیشی تنگه های استراتژیک این مناطق همواره مورد نظر قدرت های بزرگ بوده اند و مزایای آنها کم تر نصیب ساکنانشان شده است مگر در زمان هایی که حکومت های محلی، قدرت لازم را برای بیرون راندن قدرت های بزرگ داشته اند؛ ولی در قرون اخیر، غالب این موقعیت ها را قدرت های جهانی متصرف شده اند (ارگانسکی، ۱۳۵۵). هر قدر، دولت ساحلی تنگه، قوی تر و قدرتمندتر باشد به همان نسبت امکان استفاده از تنگه به عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی در امور منطقه ای و جهانی برایش بیشتر خواهد بود (حافظ نیا، ۱۳۹۰). تنگه هرمز در نظریات ژئوپلیتیک جایگاه ویژه ای دارد. براساس نظریه ریملند (حاشیه زمین) تنگه هرمز، مرکز ریملند است و هر دولتی که بر سه تنگه باب المندب، هرمز و مالا تسلط داشته باشد بر جهان تسلط دارد.

بنابراین تنگه هرمز در میان تنگه های استراتژیک جهان، اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا منطقه خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی مهم دنیا محسوب می شود. یکی از دلایل اهمیت راهبردی خلیج فارس وجود تنگه هرمز است. به این صورت که منابع انرژی به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای ژئوپلیتیک در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین المللی کشورها ایفای نقش می کند. ایران برای اعمال بیشترین نظارت بر تنگه هرمز، به بهره گیری از جزایر شش گانه خود در این تنگه توجه دارد و بر همه رفت و آمدهای دریایی در تنگه هرمز نظارت می کند. اهمیت سوق الجیشی تنگه هرمز و موقعیت ایران، بر روابط سیاسی ایران با کشورهای صادرکننده نفت و گاز خلیج فارس از یک سو، و با کشورهای مصرف کننده نفت و گاز از سوی دیگر، اثر می گذارد. از آنجایی که از زمان اکتشاف نفت در این منطقه قدرتهای بزرگ همواره درصدد به دست گرفتن این منطقه بوده امنیت نیز از مهمترین دغدغه های کشورهای حاشیه این منطقه به خصوص ایران بوده است. مع هذا، به نظر می رسد با توجه به بافت دولت های منطقه خلیج فارس و وضعیت سرزمینی و جغرافیای سیاسی آن امنیت منطقه ای مبتنی بر همکاری بین دولت های منطقه، مناسب ترین شیوه برای تأمین امنیت خلیج فارس است. ایران در سالهای اخیر تلاش داشته تا از طریق همکاری با کشورهای منطقه این شاه راه حیاتی را مصون نگه دارد، چرا که تنگه هرمز تنگه ای است که صادرات ۹۰ درصد نفت خلیج فارس (۴۰ درصد تجارت نفتی دریایی جهان) و همچنین صادرات گاز طبیعی این خلیج به آن بستگی دارد. این تنگه یکی از حیاتی ترین مسیرهای انتقال کالا و انرژی جهان بوده و به همین جهت به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک داری اهمیت فراوانی می باشد. از این رو تنگه هرمز می تواند، یک عامل بازدارنده در مقابل تهدید قدرتهای خارجی نیز محسوب شود. بنابراین امنیت و بازرگانی از راه دریایی خلیج فارس و تنگه هرمز عناصر اساسی سیاست خارجی ایران را تشکیل می دهند. با توجه به نقش و موقعیت خاص جمهوری اسلامی ایران به منظور حفظ و ارتقای این جایگاه، طبیعی

است که با این منطقه حساس و حیاتی به طور پیوسته، وظایف و مسئولیت‌های سنگین پیش روی این کشور قرار دارد. (گودرزی، محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۶). همچنین به واسطه مزایای ویژه ی ارتباطی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی تنگه هرمز این منطقه به عنوان شریان حیاتی جهان نام گرفته است و امنیت تنگه هرمز اهمیت بین المللی دارد. هرگونه بی ثباتی و فقدان امنیت در منطقه از موقعیت سیاسی ایران با کشورهای صادرکننده نفت تأثیر می پذیرد. بنابراین حق حاکمیت بر تنگه هرمز و برقراری امنیت در آن دارای اهمیت راهبردی می باشد.

از این رو پرسش پژوهش حاضر اینگونه مطرح می شود که مدیریت ژئوپلیتیک تنگه هرمز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه پیامدهای سیاسی اقتصادی بر امنیت خلیج فارس دارد؟ فرضیه این پژوهش بیان می دارد که تنگه هرمز می تواند نقش نظامی و دفاعی برای در امان ماندن از تهاجم نیروهای فرامنطقه ای داشته باشد و برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقطه فشار بر اقتصاد جهانی (اگر منافعش دچار بحران شود)، استفاده خواهد کرد. با توجه به وابستگی قدرتهای جهانی به نفت خلیج فارس، قطع نفت از این تنگه به اقتصاد آنان ضربه جبرانناپذیری وارد می کند.

۲. روش پژوهش

روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد و در این راستا کوشش گردیده است در وهله نخست مفهوم ژئوپلیتیک و امنیت تبیین گردد. سپس با توضیح موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس، تنگه هرمز و امنیت آن، تلاش کرده ایم نقش مدیریتی جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز را تبیین کرده و پیامدهای سیاسی-اقتصادی آن بر امنیت خلیج فارس را برشماریم.

۳. پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی چند نمونه از پژوهش هایی می پردازیم که در حوزه بحث این مقاله انجام شده اند.

- مقاله «بررسی سیاست های امنیتی ج.ا.ایران در خلیج فارس» نوشته حمید جهان آرا (۱۳۹۷) با معطوف کردن پرسش مقاله به شناخت سیاست های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس و سپس دلایل اتخاذ این سیاست ها، آن ها را اینگونه برشمرده است: تأکید بر نظم منطقه ای و حذف دولت های غیرساحلی از ترتیبات امنیتی خلیج فارس، حمایت از جنبش ها و گروه های شیعی در منطقه و افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی. این سیاست ها بر دو پایه برتری قدرت ایران در منطقه و سمت گیری سیاست خارجی آن مبنی بر تغییر وضع موجود شکل گرفته است.

- مقاله «عوامل موثر در ایجاد بی ثباتی سیاسی و امنیتی منطقه خلیج فارس» نوشته عبدالرضا فرجی راد و سید مصطفی هاشمی (۱۳۹۶) نویسندگان معتقدند عوامل متعددی در منطقه وجود دارد که باعث بی ثباتی در منطقه می شود و «نظام ژئوپلیتیک منطقه» ظرفیت ایجاد آن است. از همین رو قدرت های منطقه در پی رسیدن به جایگاه برتر در این ژئوپلیتیک هستند. تغییر ساخت ژئوپلیتیک منطقه منجر به تغییر نظام های امنیتی در آن می شود.

- مقاله «نقش نظام های سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس در بی ثبات سازی امنیت خلیج فارس» نوشته سید مصطفی هاشمی و مرجان منتظری (۱۳۹۵) به طرح این مسئله پرداخته اند که امنیت خلیج فارس علاوه بر تاثیرپذیری از سیاست های خارج از منطقه، نوع کارکردهای سیاسی

منطقه نیز در ایجاد ثبات یابی امنیتی در آن نقش دارد. نظام های سیاسی منطقه و تعارض هایشان منجر به تشدید بی ثباتی می شود.

- مقاله «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تاکید بر نقش راهبردی منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی ایران» نوشته غلامرضا عاشوری، شیدا مرتضایی و عزت الله عزتی (۱۳۹۷) معتقدند منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز هم اهمیت منطقه ای را دارند و هم این که از نظر امنیتی بسیار شکننده هستند. ایران خواهان امنیت مشارکت جویانه منطقه ای و بازدارندگی امنیتی منطقه ای در مقابل تهدیدات امنیتی قدرت های فرامنطقه ای است.

- مقاله «الگوی امنیتی بازدارندگی تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» نوشته ابراهیم عباسی، سید علی نجات و صغری طالبی (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیده اند که با تغییر در محیط امنیتی خلیج فارس؛ ویژگی هایی مانند گسترش هژمون منطقه ای و افزایش قدرت یابی ایران در تنگه هرمز، و همچنین تحولات سیاسی جدید در پیرامون ایران یعنی عراق و عربستان به نظر می رسد ایران به سمت اتخاذ یک الگوی امنیتی جدید در تنگه حرکت کرده است.

۴. چارچوب نظری

۴-۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنی سیاست است. کوهن عصاره ژئوپلیتیک را مطالعه روابطی می داند که میان سیاست بین المللی، قدرت و مشخصات جغرافیایی برقرار می شود (کوهن، ۱۹۹۴: ۱۷). فرینجن ژئوپلیتیک را به عنوان یک دانش، تاثیر جغرافیا بر شخصیت سیاسی کشور، تاریخ ات و به ویژه روابط آن را با دیگر کشورها مورد بررسی قرار می دهد (کارابولوت، ۲۰۰۵: ۲۹). حافظ نیا، ژئوپلیتیک را اینگونه تعریف کرده است: علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش های ناشی از ترکیب آن با یکدیگر. (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۷-۲۶)

۴-۱-۱. منطقه ژئوپلیتیک

عبارت است از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه ای از کشورها و واحدهای سیاسی- فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که براساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد؛ مانند منطقه خلیج فارس، منطقه دریای خزر، جنوب شرق منطقه عربی و... منطقه ژئوپلیتیک بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و کارکردی شکل می گیرد. (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۱)

۴-۱-۲. تنگه های ژئواستراتژیک

تنگه های دریایی اهمیت ارتباطی، اقتصادی، نظامی و استراتژیکی دارند. به همین دلیل از دیرباز مورد توجه انسان ها به ویژه قدرت های منطقه ای و جهانی بوده اند. آن ها از گذشته های دور تا کنون از نظر حمل و نقل کالا و البته در حال حاضر به ویژه نفت نقش مهمی دارند و بستن آنها منجر به بروز بحران در اقتصاد جهانی خواهد شد. تنگه ها در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تاثیر

گذارند، همچنین کوتاه ترین راه برقراری ارتباط بین دو خشکی مجاورشان هستند و در استراتژی های نظامی، بری و بحری مورد توجه قرار می گیرند. در نتیجه، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن ها باهم هماهنگ و منطبق می شود. تنگه ها به کشورهای مجاور امکان می دهند تا رفت و آمد در آن ها را کنترل کنند و به همین دلیل ارزش استراتژیک دارند. تنگه های استراتژیک به عنوان یک عامل جغرافیایی به خاطر ارزش های اجتماعی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در موازنه قدرت منطقه ای و جهانی نقش موثری دارند و قدرت های حاکم بر این تنگه ها از آن به عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود استفاده می کنند. یکی از حساس ترین و حیاتی ترین گذرگاه های آبی عصر حاضر در قلمرو سیاسی ایران (استان هرمزگان)، تنگه هرمز می باشد که به عنوان مهم ترین شاهراه انتقال انرژی جهان محسوب می شود. (جعفری و خاوش، ۱۳۹۵: ۴۷۶)

۲-۴. امنیت انرژی

در عصر حاضر با تغییر شاخص ها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و استراتژیک پدید آمده و در مباحث ژئواکونومیک، موضوع ژئوپلیتیک نفت و امنیت استراتژیک منابع انرژی به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده در تعیین استراتژی های جهانی مطرح گردیده است. برای مثال لوتویک معتقد است که زوال جنگ سرد در واقع نشان دهنده تغییر مسیر و حرکت از سوی ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی می باشد. (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۴۹-۱۴۸) در واقع ساختار ژئوپلیتیک دنیای کنونی، شامل یک ساختار سلسله مراتبی از قدرت هایی است که در جهان وجود دارند و در واقع این سیستم براساس مناسبات قدرت مطرح می شود و در این میان هرگونه تهدید انرژی به عنوان شاهرگ حیاتی نظام سرمایه داری اخلال در مناسبات قدرت مبتنی بر ژئوپلیتیک جهانی خواهد بود. از این رو می توان گفت انرژی کانون و کلید اقتصاد سیاسی بین المللی محسوب می گردد و هرگونه اختلال در عرضه، تقاضا و قیمت ها انرژی به طور جدی اقتصاد جهانی را تحت تاثیر قرار می دهد (چین، ۲۰۰۷: ۲-۱).

۵. وضعیت ژئوپلیتیک منطقه

در این بخش پیش از ارائه یافته های پژوهش اشاره هایی خواهیم داشت به ژئوپلیتیک خلیج فارس و تنگه هرمز، ارتباط مستقیم امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز و در نهایت، جایگاهی که تنگه هرمز در سیاست خارجی ایران دارد.

۱-۵. ژئوپلیتیک خلیج فارس

خلیج فارس یکی از مهم ترین مراکز ثقل مناسبات ژئوپلیتیکی و بین المللی است که تحت سیطره دو قلمرو ایرانی و عربی قرار دارد. (ویسی، ۱۳۸۴: ۳۸) یکی از مناطقی که از زمان های گذشته از نظرگاه کشورهای مختلف، والاترین اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را داشته و همچنان دارد، منطقه خلیج فارس است. تراکم کشورهای نفت خیز با اوضاع متشنج و ضعف داخلی، متکی بودن به قدرت های خارجی، مجاورت ژئوپلیتیکی با پاکستان و افغانستان و نیز تمایز عمده در بافت و ساختار سیاسی-اقتصادی خلیج فارس از ویژگی های متمایز این منطقه در مقایسه با سایر مناطق حوزه خاورمیانه است. در هر حال در نیم قرن اخیر، بدون تردید، خلیج فارس یکی از مهم ترین و

حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپلیتیک و محاسبات استراتژیک بوده است. باتوجه به دگرگونی‌های عمیق و جاری در سطح بین‌الملل، جنگ‌ها و درگیری‌های دو دهه اخیر، می‌توان ادعا کرد که قرن بیست و یکم، خلیج فارس: به صورت مهم‌ترین کانون توجه نگرش‌ها و محاسبات استراتژیک در آید و به تعبیر کلاسیک ژئوپلیتیک، هارتلند یا قلب زمین نام گیرد. (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱) ویژگی‌های طبیعی و به ویژه ظرفیت‌های اقتصادی، این آبراه در مناطق مختلفش، بر میزان اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک تاثیر گذاشته است. به عنوان نمونه، نیمه شرقی این دریا از چنین ویژگی‌هایی برخوردار است. عمیق‌ترین نقاط خلیج فارس در حوالی تنگه هرمز است که به حدود ۱۰۰ متر می‌رسد محدوده تنگه هرمز بین خط فرضی بین دو نقطه راس دبا (دبه) و دماغه الکون در دریای عمان و خط فرضی دوم از راس الشام با شیخ مسعود و جزیره هنگام می‌باشد که طول این محدوده ۱۸۷ کیلومتر است. (نامی، ۱۳۸۶: ۲۸) برهمن اساس، این بخش از دریای خلیج فارس از اهمیت بیشتری هم برخوردار است. هم‌چنین خلیج فارس حدود ۶۵۰ میلیارد بشکه از ۹۹۱ میلیارد بشکه ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. رقم اندکی بیش از ۶۰ درصد از کل ذخایر شناخته شده نفت جهان است. خلیج فارس هم‌چنین ۳۱ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی یا ۳۰ درصد مجموع ذخایر گاز طبیعی شناخته شده در جهان را دارد. در بستر خلیج فارس بیش از ۷۰۰ حلقه چاه نفت در دست بهره برداری است. باتوجه به این حجم از ذخایر، خلیج فارس را انبار نفت جهان می‌نامند. این ویژگی اقتصادی خلیج فارس، از دیگر دلایل اهمیت این آبراه بین‌المللی است. (جعفری و خاوس، ۴۷۶: ۹)

۲-۵. ژئواستراتژیک تنگه هرمز

مجموعه ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی و ژئواستراتژیک تنگه هرمز به آن موقعیت راهبردی ویژه‌ای داده‌اند که مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار دارد هر یک از آن‌ها برای گسترش اقتدار و کنترل خود بر تنگه می‌کوشند. زیرا ارزش‌های نهفته در تنگه هرمز، دارای نتیجه‌های ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده‌ای هستند و در موازنه قدرت جهانی تأثیر زیادی دارند، به طوری که هر قدرتی، کنترل و اقتدار تنگه را در اختیار داشته باشد، موازنه قدرت جهانی به نفع او خواهد چرخید، و اگر این امکان به دست قدرتی بیفتد (که امکان حضور نظامی در پهنه اقیانوس‌های جهان را دارد)، موازنه‌ی قدرت جهانی به نفع آن کشور تغییر خواهد کرد. این اقتدار از دو راه امکانپذیر است: حضور مستقیم نظامی در تنگه و یا اتحاد راهبردی با کشورهای ساحلی تنگه، به ویژه ایران (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۹۴).

از همین رو، مهم‌ترین جنبه‌های استراتژیک تنگه هرمز عبارت است از:

۱. قرار داشتن در مسیر انتقال نفت مورد نیاز جهان غرب
۲. تکیه‌گاه دفاعی شبه جزیره عربستان
۳. واقع شدن در ابتدای دهلیز فلات ایران
۴. قراردادن در موقعیت مناسب برای ورود قدرت بری به شبه جزیره عربستان
۵. قرار گرفتن در موقعیت پنخس بحران به صحنه اقیانوس کبیر
۶. موقعیت تنگه هرمز در حاشیه ریملند
۷. ایجاد پیوستگی برای نیروی دریایی بحری

۸. ایجاد تسلیحات تدارک نیرو

۹. تناسب جغرافیایی و حقوقی تنگه هرمز برای عبور واحدهای ویژه دریایی و هوایی

۱۰. تنگه هرمز به عنوان مکمل استراتژی بحری

۱۱. تامین امنیت جناح چپ نیروهای قدرت بری

۱۲. صرفه جویی در قوا

۱۳. متکی بودن تنگه هرمز به آب های آزاد. (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۱: ۴۲۶-۴۳۳ به نقل

از ربیعی و صادقی، ۱۳۹۳: ۴۴۸)

۱-۲-۵. عبور انرژی

براساس آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا در سال ۲۰۰۹م به طور میانگین روزانه ۱۵/۵ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز عبور کرده است. این میزان معادل یک سوم نفت جا به جا شده از طریق دریا در جهان است. اکثریت نفت خام صادراتی ایران، قطر عربستان، کویت و عراق همچنین کل صادرات گاز مایع قطر از طریق تنگه هرمز به بازارهای جهانی صادر می گردد. اگر مسئله ای در تنگه هرمز اتفاق بیفتد مسیرهای اندکی برای جایگزینی آن وجود دارد. بنابراین پانزده و نیم میلیون بشکه نفت از بازار خارج خواهد شد. عربستان سعودی تنها عضو کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت (اوپک) است که قادر به تولید دو میلیون بشکه نفت صادراتی اضافی را دارد و در صورت بسته شدن تنگه هرمز نمی تواند کمبود ۱۴ میلیون بشکه نفتی را که از بازار جهان خارج می شود، پوشش دهد. علاوه بر این توانایی اورژانسی عربستان سعودی از نظر جغرافیایی کاملاً متکی به دسترسی نداشتن به بازار جهانی از طریق تنگه هرمز می باشد. (لشگری تفرشی، ۱۳۹۳: ۲۳۲)

پیش بینی سازمان جهانی انرژی (EIA) نشان می دهد که تا سال ۲۰۲۰م صادرات از طریق تنگه هرمز به دو برابر رسیده و به حدود ۳/۲ میلیون بشکه در روز می رسد. این امر مستلزم آن است که در سال ۲۰۲۰م نسبت به عبور و مرور نفتکش ها به سه برابر افزایش یابد. این در حالی است که مسیرها و خطوط انتقال جایگزین نمی تواند چنین ظرفیتی را پذیرا باشد و رشد صادرات از طریق آنها بسیار کمتر از قابلیت تولیدی مورد نیاز از این منطقه می باشد. به طوری که پیش بینی می گردد تا آن زمان بیش از نیمی از بیست بندر عمده صادر کننده انرژی در جهان در خلیج فارس قرار داشته باشند. در سال ۲۰۰۶م حدود ۹۳ درصد نفت خلیج فارس از تنگه هرمز عبور کرده است و تا سال ۲۰۲۵م صادرات نفت خلیج فارس به تنهایی نیازمند دو نیم برابر تردد کشتیهای موجود و نیز توسعه وسیع بنادر و تاسیسات بارگیری است. این مسئله اهمیت فزاینده تنگه هرمز را مشخص می کند. از این رو منطقه به عنوان یک نقطه کنترل و اعمال فشار، بخش حساسی از شبکه حمل و نقل دریایی را تشکیل می دهد. زیرا همچنان که ذکر شد قطع عبور نفت از آن، جهان را با بحران سختی روبرو می کند. بر پایه این موارد حفظ امنیت کشتی رانی در تنگه هرمز و باز بودن همیشگی آن یکی از اولویت های مهم جهانی محسوب می گردد. (لشگری تفرشی، ۱۳۹۳: ۲۳۴)

۳-۵. وابستگی امنیت خلیج فارس به امنیت تنگه هرمز

ارزش ارتباطی و اقتصادی تنگه هرمز با مسائل خلیج فارس پیوند خورده است. یعنی عوامل ارزش آفرین تنگه هرمز در زمینه های ارتباطی و اقتصادی، در خلیج فارس قرار دارند و در واقع این

تنگه سطح اتصال اقتصاد واحد ژئوپولیتیکی خلیج فارس با اقتصاد جهان است. ارزش اقتصادی و ارتباطی تنگه به سه زمینه اقتصادی خلیج فارس بستگی دارد که عبارتند از: اقتصاد کشورهای منطقه (بنادر و مناطق آزاد تجاری و صنعتی)، اقتصاد جهانی و صادرات و واردات نفت و کالای کشورهای منطقه. از این رو، حفظ امنیت آن برای همه کشورهای منطقه حیاتی است. در حال حاضر، کشور ایران از حیث صادرات نفت و کالا و نیز واردات کالا و فراورده‌های نفتی وابستگی شدیدی به تنگه هرمز دارد. عرض کم تنگه هرمز و وجود تعدادی جزیره و نیز ارتفاعات ساحلی در مجاورت خطوط اصلی کشتیرانی، همواره باعث حساسیت شدید کشورهای غربی نسبت به مسئله امنیت منطقه بوده است (اسدی، ۱۳۸۱: ۲). تنگه هرمز، علاوه بر آثار اقتصادی منطقه‌ای برای کشورهای حوزه خلیج فارس، بر اقتصاد جهان نیز تأثیر دارد. باز بودن و یا انسداد تنگه هرمز، در دو زمینه بر اقتصاد جهان اثر می‌گذارد: زمینه اول، صادرات فراورده‌های صنعتی و غذایی و دارویی کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان به منطقه و زمینه دوم، واردات نفت آنان از منطقه خلیج فارس است (حافظ نیا، ۱۳۷۸: ۴۸۸) از طرف دیگر، کانال سوئز، در اعتبار بخشیدن به خلیج فارس و تنگه هرمز، نقش آفرینی می‌کند. چراکه با آزاد بودن این کانال، در واقع مسیری که نفتکش‌ها باید طی کنند، کوتاه‌تر خواهد شد و در وقت و هزینه صرفه‌جویی می‌شود.

همانطور که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اشاره کرده اند ایران می‌تواند مانع از ادامه یافتن جریان روان صادرات انرژی از خلیج فارس شود. ایران حتی اگر مرتکب چنین اقدامی نشود در مهربانانه‌ترین حالت می‌تواند صادرات نفت خود را برای مدتی قطع کند که چنین اقدامی در نهایت منجر به افزایش شدید قیمت نفت در بازار جهانی انرژی می‌شود؛ زیرا در وضعیت فعلی تقاضای جهانی برای انرژی بیشتر از تولید نفت است و این در حالی است که ظرفیت مازاد کافی برای جبران خلاء نفت ایران در میان تولید کنندگان وجود ندارد. در همین حال ایران می‌تواند چه مستقیماً، از طریق درگیری با ناوگان جنگی آمریکا و متحدان این کشور که قصد محافظت از تانکرهای نفتی را دارند و چه از طریق مجموعه عملیات‌هایی در خشکی، تلاش کشورها برای صادرات انرژی از تنگه هرمز را خنثی کند. چنین اتفاقی (متوقف شدن عرضه نفت از تنگه هرمز) در شرایطی ممکن است تأثیرات مخربی بر بازار جهانی انرژی بر جای بگذارد که هیچ مسیر جایگزینی برای انتقال نفت تولید شده در این منطقه به بازار جهانی وجود ندارد. در چنین شرایطی بازار جهانی انرژی نیاز مبرمی به تامین نفت و گاز از سوی تولید کنندگان انرژی در بیرون از خلیج فارس پیدا می‌کند ولی آنها نیز از ظرفیت مازاد برای تامین چنین حجمی از انرژی (۴۰ درصد نیاز روزانه جهان) برخوردار نیستند. عامل دیگری که هر گونه اقدام و یا تحریم علیه ایران را تضعیف کرده این است که تهران روابط بسیار خوبی با مشتریان نفت و گاز خود و همچنین همسایگانش در زمینه توافقنامه‌های همکاری در حوزه انرژی برقرار ساخته است. تهران این توافقنامه‌ها را به منظور تضعیف هرگونه اجماع دیپلماتیک در تلاش برای تغییر رفتار خود و کم اثر کردن تحریم‌ها و دشوارتر کردن هرگونه اعمال تحریم علیه خود طراحی و اجرا کرده است. در چنین شرایطی کشورهای که چه بعنوان خریدار نفت و گاز و چه بعنوان تامین کننده نیازهای ایران با تهران معامله می‌کنند می‌دانند که

مشارکت در هر اقدامی که بر خلاف منافع تهران باشد، می‌تواند ضررهای زیادی به اقتصاد آنها وارد آورد (کریمی شروذانی، ۱۳۸۸: ۵).

۴-۵. جایگاه تنگه هرمز در سیاست منطقه ای ایران

به دلایل امنیتی، تنگه هرمز از جایگاه بسیار ویژه ای برای ایران برخوردار است. بدین معنی که دهلیز جنوبی فلات ایران روبه تنگه باز می‌شود و یکی از بزرگ ترین مسیرهای ارتباطی داخل فلات ایران به تنگه هرمز مسیر کرمان به بندر عباس است. کنترل و حفاظت از بندر عباس، به مفهوم حفاظت از امنیت ایران است و این موضوع آسیب پذیری و تهدید از حاشیه جنوبی آن را کاهش می‌دهد. کنترل تنگه هرمز از سوی ایران، به معنی حفظ پیوستگی سواحل جنوبی ایران و حفظ ارتباط و راه های دریایی ایران است و حفظ این وحدت، امکان دفاع از سواحل جنوبی ایران را راحت تر می‌کند؛ حذف تنگه از قلمرو ایران، به معنی ایجاد محدودیت در خشکی و دسترسی به دریای بسته خلیج فارس است، ضمن این که ایجاد وحدت فرماندهی بین پایگاه ها و واحدهای سواحل دریای عمان و خلیج فارس را با مشکل روبه رو خواهد کرد؛ بنابراین تنگه هرمز، در برخورداری ایران از نیروی دریایی و افزایش قدرت آن نقشی اساسی دارد. برعکس عمان در تنگه هرمز یعنی شبه جزیره مسندم، به دلیل وسعت کم، کوهستانی بودن، توپوگرافی نامناسب، عدم پیوستگی سرزمینی با سرزمین اصلی و نبود جزایر و سواحل مناسب برای واحدهای عملیاتی، فاقد ارزش استراتژیکی و نظامی مناسب است و امکان ایجاد وحدت فرماندهی و اجرای عملیات نظامی و دفاعی هماهنگ در آن را ندارد. (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۴۷۱)

از همین رو، سیاست منطقه ای ایران و الگوهای امنیتی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز با تاکید بر دو بخش استراتژی دفاعی-تهاجمی در داخل و خارج بود، چرا که ایران در این زمان با قدرت مداخله گر برون منطقه ای مواجه بود و از طرفی کشورهای عربی در طیف مقابل ایران قرار گرفته و در تهدید درون منطقه ای از جانب شورای همکاری خلیج فارس و قدرت مداخله گر آمریکا، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در خلیج فارس و تنگه هرمز تهدید می نمود. در واقع ایران قدرت منطقه ای جنوب غرب آسیا است که امکان دسترسی به سه حوزه خلیج فارس، اقیانوس هند و خزر را دارد و می تواند نقش ترانزیتی برای اعضای سه حوزه را بازی کند. ایران، خلیج فارس را یک واحد منطقه ای دانسته که امنیت سایر حوزه های آن باید به دست اعضای منطقه و به دور از نیروهای مداخله گر منطقه ای انجام پذیرد. همچنین ایران از حضور نیروهای مداخله گر که عمدتاً دشمنان و رقبای آن هستند برای امنیت ملی خود احساس خطر می کند، چون در سراسر این مدل یگانه ژئوپلیتیکی دارای منافع حیاتی است. با وجود تهدیدات منطقه ای و برون منطقه ای که امنیت ملی ایران را در تنگه هرمز مورد چالش قرار می دهد و با عنایت به این که در منطقه خلیج فارس با قدرت مداخله گر مواجه هستیم و از طرفی نیز کشورهای این منطقه متحد آمریکا محسوب می شوند، با قدرت یابی هژمون در منطقه، ایران عملاً با یک توازن تهدید در مقابل قدرت مداخله گر مواجه است. از لحاظ ایجاد توازن تهدید از سوی طرف های تهدید، ماهیتی نظامی است. بنابراین از نقطه نظر نظامی، ایران در چند سال اخیر توان دفاعی خود را در خلیج فارس به طور چشمگیری

افزایش داده است. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۵ و ۷۲-۷۳ به نقل از گودرزی و محمد زاده ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۱۹)

۶. یافته های پژوهش

۶-۱. توانایی های ایران برای مدیریت تنگه هرمز

در سیاست خارجی ایران حفظ مرزهای کشور و ثبات سیاسی دو هدف مهم بوده است. از منظر نحوه نگرش به ساختار نظام بین الملل، الگوی دفاع نیز قائل به وجود ساختار همکاری جویانه در روابط بین الملل است و در عین حال توسل به جنگ و اعمال قدرت برای دفاع از جان، مال، ناموس، آزادی و استقلال مردم را وظیفه اصلی می داند. این مولفه در گفتمان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بازدارندگی و دفاع وظیفه محوری تلقی می شود. ایران در تفکر بازدارندگی خود بیشتر بر موقعیت استراتژیک خود در سیستم منطقه ای و بین المللی و بهره گیری از آن در خنثی سازی حملات احتمالی از طریق بالابردن هزینه دشمن و همچنین تحمل فشارهای سیستمی بر آن تاکید می کند از دیدگاه ایران مهم ترین توانایی های مذکور عبارتند از:

- ۱) موقعیت ژئوپلیتیکی که معمولا اشغال کشور را مشکل می کند.
- ۲) سواحل طولانی با خلیج فارس و دریای عمان به عنوان سرزمین اصلی تولید انرژی جهان.
- ۳) موقعیت عبوری تنگه هرمز و کنترل ایران بر آن.
- ۴) موقعیت نظامی برتر در منطقه.
- ۵) ساختار متنوع نیروهای نظامی آن به ویژه توان بسیج جمعیت در زمان ضرورت.
- ۶) امکان به کارگیری نیروهای شبه نظامی در صورت ضرورت.
- ۷) توان شبکه سازی ایران در منطقه.
- ۸) توان اختلال در شبکه های ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی سیستم بین الملل.

توانمندی های مذکور در عرصه بین الملل و منطقه ای اهمیت ژئوپلیتیکی و قدرت بازدارندگی ایران را افزایش داده است. بالاخص این که روند حوادث منطقه در سال های اخیر به گونه ای بوده که نه تنها نقش ایران را به عنوان یک بازیگر منطقه ای تعیین کننده، تثبیت نموده بلکه ایران را به عنوان کشوری تاثیرگذار در عرصه های فرامنطقه ای نیز معرفی کرده است. (عاشوری، عزتی و مرتضایی، ۱۳۹۷: ۲۰۵)

۶-۱-۱. توانایی های عملیاتی ایران

یکی از حوزه هایی که ایران در محیط امنیتی خود همواره به آن توجه داشته است، افزایش قدرت نظامی نیروهای مسلح می باشد. نیروهای مسلح ایران تحت فرماندهی آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی از سه بخش ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی تشکیل می شوند. این نیروها که مسئول محافظت از مرزها و برقراری امنیت داخلی هستند، از رسته های زرهی، پیاده نظام، کماندو، توپخانه و هوایر تشکیل شده اند. این نیروها با تشکیل قرارگاه های تخصصی همچون قرارگاه هوایمایی خاتم الانبیاء (ص) و قرارگاه های موشکی به ایفای نقش در تامین امنیت ایران می

پردازند (بورگس، ۲۰۱۰: ۶). به عبارتی دیگر، ایران نسبت به دیگر کشورهای منطقه بر سکوی بلندتری قرار دارد. ایران از لحاظ نظامی از تمام کشورهای کناره خلیج فارس قوی‌تر است. نیروهای نظامی ایران در طول هشت سال جنگ با عراق و رزمایش‌های متعدد دریایی، تجارب بسیاری آموخته‌اند. همچنین در دو دهه گذشته نیروهای نظامی با خرید و تولید تجهیزات نظامی بر توان رزمی خود افزوده‌اند. از نظر جمعیت نیز ایران درصد قابل توجهی از جمعیت این منطقه را داراست. در این بخش، جا دارد به بخشی از توان نیروهای مسلح که بعد از جنگ تحمیلی به آن مجهز شده‌اند، اشاره گردد:

(۱) **قایق‌های تندرو؛** استفاده ایران از قایق‌های تندرو برای اعمال فشار بر دشمن، ریشه در سال‌های جنگ تحمیلی دارد. درباره سیر تاریخی راهبرد استفاده از قایق‌های تندرو و تأثیرات آن، باید گفت امروزه قایق‌های تندروی ایرانی بسیار سریع‌تر و مجهزتر از نمونه‌های سابق خود در سال‌های دفاع مقدس هستند و به‌طور مؤثرتری توانایی رویایی با شناورهای رزمی پیشرفته دشمنان را دارند چه رسد به کشتی‌های ترابری. این شناورها به رادارهای دریایی، سامانه‌های الکترونیکی پیشرفته ارتباطی، موشک‌های کروز کوتاه‌برد با برد ۲۵ کیلومتر و میان‌برد ضدکشتی، اژدرهای کالیبر متوسط و بزرگ و مین‌های دریایی مجهزند و در کنار تسلیحات سنتی خود یعنی تیربارهای نیمه‌سنگین، راکت‌انداز و موشک‌های دوش‌پرتاب سطح به هوا، توانایی انسداد کوتاه‌مدت و بلندمدت این تنگه از یک‌سو و مقابله با ناوگان دریایی دشمن را که برای بازکردن مسیر تلاش خواهد کرد، در کنار آن دارند. این شناورها ضمن برخورداری از سرعت بالا و تجهیزات پیش‌گفته، از قدرت مانور و پایداری مناسب برخوردارند و توانایی اجرای عملیات در شب به کمک تجهیزات مربوط و در آب‌وهوای نامساعد را بارها در رزمایش‌های کوچک و بزرگ سال‌های اخیر نشان داده‌اند. این شناورها حتی در آب‌های اقیانوس هند نیز برای حمایت از شناورهای مورد تهدید از سوی ناوگان دشمن و متوقف کردن زیردریایی کشورهای فرامنطقه‌ای که قصد عبور از تنگه هرمز را داشتند، در سال‌های اخیر کارنامه موفق‌تری دارند. علاوه بر تجهیز نیروهای مسلح به سریع‌ترین قایق تندروی جهان، قایق‌های تندروی بدون سرنشین نیز برای اجرای مأموریت‌های لازم توسعه داده شده‌اند. مین‌های دریایی ایران انواع مختلفی دارد که شامل نمونه‌های مغروق و نمونه‌های واپایش (کنترل) از راه دور هستند. سلاح می‌تواند توسط قایق‌ها و زیردریایی‌های ایرانی در نقاط مختلف تنگه هرمز و آب‌های اطراف آن کار گذاشته شده و در صورت لزوم به‌کارگیری شود.

(۲) **زیردریایی:** با تجهیز نیروی دریایی ایران به زیردریایی، این نیرو به قدرتی فراتر از نیروهای دریایی کشورهای منطقه تبدیل شد. زیرسطحی‌های ایرانی توانایی به‌کارگیری اژدر، مین و موشک را دارند و می‌توانند روزها و هفته‌ها زیر آب باقی بمانند و آماده اجرای مأموریت باشند. به جز زیردریایی روسی کیلو، بقیه این وسایل که شامل نمونه‌های نهنگ، غدیر و فاتح هستند، از ابتدا با در نظر داشتن شرایط دریاهای اطراف ایران به‌ویژه خلیج فارس طراحی شده‌اند و توانایی‌های ویژه‌ای از جمله قابلیت فرارگیری در بستر دریا و اختفا از دید سامانه‌های مختلف راداری و سوناری دشمن را دارند. این زیردریایی‌ها که تعداد آن‌ها بیش از ۲۰ فروند تخمین زده می‌شود نیز ضمن توانایی مسدود کردن تنگه هرمز، توانایی رویارویی با ناوگان سطحی و زیرسطحی دشمن را دارند.

زیردریایی‌های کیلو، توان حمل ۲۴ مین یا ۱۸ اژدر بزرگ و زیردریایی‌های فاتح نیز توان حمل ۱۲ اژدر و یا ۸ مین را دارند. همچنین در رسانه‌های دنیا اخباری از تجهیز کیلوهای ایرانی اژدر موشکی حوت (که سرعتی چهار برابر اژدرهای معمولی دارد) منتشر شده است که مسئولان کشورمان این اخبار را تأیید یا تکذیب نکرده‌اند.

۳) **ناوهای جنگی:** ناوهای جنگی ایران شامل کلاس‌های مختلف ناوچه (شناور موشک‌انداز سریع)، ناو و ناوشکن (ناو محافظ) است. این شناورها قابلیت شلیک چهار موشک دوربرد ضد کشتی نور با برد ۱۲۰ تا ۱۷۰ کیلومتر و قادر با برد بیش از ۲۰۰ کیلومتر را دارند. توپ‌های ۱۱۴ و ۷۶ میلیمتری این ناوها نیز از برد و قدرت کافی برای تهدید کشتی‌های مختلف برخوردار هستند و وجود توانایی ضدزیردریایی نیز در ناوها با بهره‌گیری برای ایجاد اهرم فشار و همکاری با سایر نیروها در مسدود کردن تنگه هرمز کاملاً کارآمد است.

۴) **توان موشکی ایران:** مهندسان موشکی ایران تاکنون در برد و قدرت موشک‌های کروز تغییرات زیادی داده‌اند. پرتابگرهای ساحلی موشک‌های کوتاه‌برد کوثر، دوربرد نور و قادر و پرتابگر سه فروندی قارعه، موشک میان‌برد نصر-۱ از جمله این‌ها هستند. این پرتابگرها خوداتکا هستند؛ یعنی در صورت استقرار در نزدیکی سواحل، بدون نیاز به سامانه‌های جانبی و وابستگی به واحدهای هوایی و دریایی می‌توانند کار کشف، شناسایی و حمله به اهداف دریایی را به انجام برسانند. همچنین سه نوع موشک بالستیک ضدکشتی تاکنون در ایران معرفی شده که به ترتیب زمانی، موشک خلیج فارس، موشک تندر و موشک سجیل هستند. علاوه بر موشک‌ها هواپیماهای رزمی نیروهای مسلح کشورمان هم قابلیت تجهیز به چند نوع موشک هوا به هوا به سطح با قابلیت به‌کارگیری علیه اهداف دریایی را دارد. این موشک‌ها شامل موشک‌های هوا به سطح هدایت اپتیکی، لیزری و راداری هستند. موشک‌های نور و قادر قابلیت هواپرتاب دارند و در کنار موشک‌های سی-۸۰۱ کی و سی-۸۰۲ به‌عنوان اصلی‌ترین سلاح‌های ضدکشتی هواپرتاب محسوب می‌شوند. جت بمبافکن کرار، که قابلیت حمل چهار موشک کوثر را دارد، نمونه‌های کوچک دیگری از توان موشکی ما در دفاع از تنگه هرمز و خلیج فارس است که نیروهای مسلح ما به آن‌ها مجهز شده‌اند. (قاسمی ۱۳۹۱، ۱)

۲-۶. ارتباط تنگاتنگ ساختار سیاسی استبدادی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با نفت

در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ملک به منزله هسته مرکزی منظومه قدرت و دارنده نقش محوری، صاحب مشروعیت و یگانه مرجع صلاحیت دار برای رسیدگی به همه مسائل و امور کشوری و لشگری، فرمانده کل نیروهای مسلح و ولی نعمت همه افراد مردم است و فرمانش برای همه مردم مطاع است. ملک نماینده اراده خداوند در قلمرو سیاسی و حامی و مدافع سرزمین اسلام و وجود او منشاء خیر و برکت برای آحاد مردم است. هر قدرتی از او ناشی می‌شود و اعضای خاندان حاکم، وزراء و ماموران عالی رتبه تحت او امرش هستند. ملک همچنین منابع نفت و همه منابع و منافع اقتصادی و مالی کشور است و بر تمام موسسه‌ها و اداره‌های حکومتی و غیرحکومتی نظارت کامل دارد. کنترل کامل داریی‌های دولت توسط حاکم در رژیم‌های سلطنتی خلیج فارس، اجازه هیچگونه پاسخگویی مبتنی بر قانون و قواعد را نمی‌دهد. در چنین نظام‌های موروثی، سلطنت و

حکومت، مقوله های تفکیک ناپذیرند. همه تصمیم های اصلی به وسیله یک شخص خاص گرفته می شود و قوای مجریه، مقننه و قضاییه در وجود او متمرکز است. بر این اساس، نظام های مذکور سنتی، محافظه کارند و مشروعیت نظام به حقوق الهی سلطنت و ریشه های مذهبی و قبیله ای بازمی گردد. (زارعی، مقدم و شفیع، ۱۳۹۵: ۵۶۴)

در این ساختار سیاسی، انتخابات و مشارکت سیاسی محدود است یا به طور کلی معنای چندانی ندارد؛ بنابراین، شش کشور سنتی عرب در خلیج فارس، امروزه برای بقا و تداوم حکومت های موروثی خود ناچار به تقویت مبانی مشروعیت خویش هستند. در این کشورها، خانواده های قبیله ای خاصی، صاحب انحصاری قدرت سیاسی هستند. آل سعود (عربستان)، آل صباح (کویت)، آل خلیفه (بحرین)، آل ثانی (قطر)، آل نهیان (امارات متحده) و آل بوسعید (عمان)، قدرت های حاکم در منطقه هستند. با توجه به بحران های موجود در منطقه، مسئله مشروعیت سیاسی به ویژه برای رژیم های حاکم موروثی، از مسائل حاد در خلیج فارس می باشد. (هاشمی و منتظری، ۱۳۹۵: ۱۰۰) از سوی دیگر، نفت منبع اصلی درآمدهای ارزی کشورهای منطقه خلیج فارس را تشکیل می دهد. در این رابطه شرکت بیمه بین المللی لویترز در گزارشی اعلام کرد بسته شدن تنگه هرمز به معنای توقف ۹۰ درصد صادرات نفت کشورهای منطقه خلیج فارس و توقف معاملات تجاری این کشورها از طریق تنگه هرمز صورت می گیرد، یادآور شد که بستن تنگه هرمز باعث توقف همه معاملات امارت، کویت، قطر و تقریباً همه صادرات عراق و نیز ۸۸ درصد صادرات نفت عربستان خواهد شد. هر چند که احتمالات موجود در مورد بسته شدن تنگه هرمز و عدم عرضه نفت خام کشورهای منطقه خلیج فارس تحت تاثیر سیاست و نفوذ آمریکا در خلیج فارس در جهت کم اهمیت نمودن جنبه استراتژیک تنگه هرمز گام برمی دارند و مطالعات اساسی به منظور احداث خط لوله های متعددی در جهت عرضه نفت خام خود از منطقه ای خارج از تنگه هرمز را آغاز کنند با این وجود حداقل در کوتاه مدت هرگونه اختلال در تنگه هرمز به لحاظ اقتصادی می تواند موجبات افزایش کسری بودجه عمومی، کسری موازنه پرداخت ها، افزایش نرخ بیکاری و رکود اقتصادی در کشورهای خلیج فارس شود. (اشرف نظری و قنبری، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

۳-۶. قرار داشتن تنگه هرمز در مسیر انتقال نفت مورد نیاز غرب

ساختار ژئوپلیتیک دنیای کنونی شامل یک ساختار سلسله مراتبی از قدرت هایی است که در جهان وجود دارند و در واقع این سیستم بر اساس مناسبات قدرت مطرح می شود و در این میان هرگونه تهدید برای انرژی به عنوان شاهرگ حیاتی نظام سرمایه داری، اختلال در مناسبات قدرت مبتنی بر ژئوپلیتیک جهانی خواهد بود. از این رو می توان گفت: انرژی، کانون و کلید اقتصاد سیاسی بین الملل محسوب می شود و هرگونه اختلال در عرضه و تقاضا و قیمت های انرژی به طور جدی اقتصاد جهانی را تحت تاثیر قرار می دهد (جین، ۲۰۰۷: ۲ - ۱). به عنوان یک نقطه کنترل و اعمال فشار به دلیل وابستگی جهان به نفت منطقه خلیج فارس و نیز بازار مصرف ثروتمندان، این منطقه بخش حساسی از شبکه حمل و نقل اروپا را تشکیل می دهد؛ به همین دلیل در فضای ژئواستراتژیک اروپای غربی قرار می گیرد. از آنجاکه آمریکا، ژاپن و استرالیا نیز به نفت منطقه خلیج فارس و آبراهه تنگه هرمز وابسته اند، بنابراین این منطقه در فضای ژئواستراتژیک آن ها قرار می گیرد؛ به همین دلیل

از تنگه هرمز به عنوان نقطه کنترل و اعمال فشار که اهمیت استراتژیک خاصی نیز دارد، یاد می‌شود. (شاملو و فرجی راد، ۱۳۹۸: ۱۷۴-۱۷۵)

۱-۳-۶. امنیت انرژی

خاورمیانه و مشخصاً منطقه خلیج فارس به واسطه اهمیتی که در تامین امنیت انرژی جهان دارد، مورد توجه قدرت های فرامنطقه ای بوده است. خلیج فارس از مهم ترین مناطق تامین انرژی جهان محسوب می‌شود این منطقه از جنبه های گوناگون دارای ویژگی های متمایزی در مقایسه با سایر مناطق جهان است که به آن اهمیت و برجستگی های فوق العاده ای بخشیده است. بزرگترین عامل اهمیت خلیج فارس وجود معادن سرشار نفت و گاز است به طوری که تین منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده اند. انرژی کالایی راهبردی است که تامین و امنیت آن نقش کانونی در امنیت بین الملل و اقتصاد جهانی دارد. در این راستا، مقوله امنیت آن، یکی از اصلی ترین و جدی ترین دغدغه های دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای است. مزیتی که در خصوص انرژی منطقه خلیج فارس وجود دارد، فراوانی نفت و گاز، استخراج با هزینه های کمتر در مقایسه با مخازن نفت در مناطق دیگر و قرار گرفتن در کنار مسیرهای کارآمد و توسعه یافته حمل و نقل جهت دسترسی به بازارهای مختلف می باشد. برای تامین امنیت منطقه خلیج فارس، برخی از دولت های منطقه امنیت خود و منطقه را در سایه اتحاد و همراهی با قدرت های بزرگ فرامنطقه ای تعریف کرده اند و از این طریق سبب حضور و نفوذ آنها در منطقه شده اند. از طرفی، برخی دیگر از دولت های منطقه خلیج فارس همچون ایران به عنوان یکی از مهم ترین تولیدکنندگان انرژی در سطح جهان حضور قدرت های بزرگ را نافی امنیت خود دانسته اند و مسیر منطقه بدون حضور کنشگران غیرمنطقه ای را دنبال می کنند. (قاسمی و عزیز، ۱۳۹۵: ۵۹۰)

در بازار جهانی انرژی، ایران از دو نظر کانون توجه و مرکز تعاملات بین المللی قرار دارد: نخست، موقعیت ژئوپلیتیک کشور و سپس نقش حیاتی ایران در امنیت جهانی انرژی. در همین راستا می توان ادعا کرد انرژی یکی از حلقه های پیوند ایران با جهان خارج است. مفهوم امنیت انرژی برای ایران که تولیدکننده عمده انرژی است و برای توسعه صنایع نفت و گاز خود به سرمایه و فناوری بین المللی نیاز دارد، از کاربرد دوگانه ای برخوردار است. می توان مدعی شد تبیین و تعریف راهبرد تعامل سازنده در حوزه صنعت نفت در قالب مفهوم امنیت انرژی تبلور می یابد. مفهوم امنیت انرژی از یک سو تداوم تولید و توسعه صنایع بالادستی را هدف قرار می دهد و از سویی دیگر به توسعه مسیرهای انتقال انرژی توجه دارد. طی دهه های اخیر، آمریکا بیشترین واردات نفت خلیج فارس را در بین کشورهای جهان داراست. به همین علت امنیت صدور انرژی از خلیج فارس از اهمیت فوق العاده ای برای تداوم حیات اقتصادی آمریکا برخوردار است. اساساً می توان نیت و هدف اولیه آمریکا از استقرار نیروی نظامی در خلیج فارس را حفظ برتری و تفوق بر رقبای دیگر مثل اروپا و چین در بازار انرژی دانست. در مقابل، تهدیدات مختلفی در خلیج فارس وجود دارند که می توانند امنیت این پهنه ترانزیت انرژی را به مخاطره اندازند. از نظر آمریکا و متحدان آن در منطقه، ایران مهم ترین تهدید برای صدور انرژی خلیج فارس است. (قاسمی و عزیز، ۱۳۹۵: ۵۹۵-۵۹۰)

۲-۳-۶. خلیج فارس به عنوان بازار مصرف کالاهای غربی

جمعیت بیش از یک صد میلیون حوزه خلیج فارس که مشمول درآمدهای نفتی می شود بازار مصرف خوبی برای کشورهای صنعتی غرب است، در نتیجه بر سر تصرف این بازار و جذب دلارهای نفتی آن بین قدرت های اقتصادی غرب چون آمریکا، ژاپن، انگلیس، فرانسه و آلمان رقابت هایی وجود دارد. تک محصولی بودن کشورهای منطقه و اتکای آن ها به صدور نفت و اقتصاد موازی، سبب وابستگی آنها به قدرت های صنعتی و بی نیازی از همسایگان شده است. آمریکا و اسرائیل نیز در سایه این شرایط درصدد هستند روند طبیعی اقتصاد منطقه را تخریب و پیوسته کشورهای منطقه را به دلارهای نفتی وابسته کنند. این سیاست عواید سرشاری روانه کشورهای غربی و به ویژه آمریکا می کند. در این راستا کشورهای منطقه خلیج فارس درآمدهای نفتی را سبب اختلاف های مرزی و گاه قومی و شرایط کلی حاکم بر منطقه بار دیگر در راستای اهداف نظامی خود به سوی غرب روان می سازند. (سیمبر، ۱۳۸۵: ۲۸ به نقل از طائر، ۱۳۹۳: ۱۳۶)

۴-۶. توجه و وابستگی قدرت های نوظهور به ذخایر نفتی خلیج فارس

منطقه خلیج فارس عظیم ترین ذخایر نفتی جهان را دارد و به نظر خیلی از کارشناسان اقتصادی، اقتصاد جهان در آینده متکی به نفت خلیج فارس خواهد بود. بنابراین در این میان خلیج فارس نقش اصلی را بازی خواهد کرد و هرگونه بی ثباتی در این منطقه می تواند بحرانی بزرگ در اقتصاد جهان به بار آورد. از این نظر، خلیج فارس که بیش از ۲/۳ ذخایر نفتی اثبات شده جهان و ۱/۳ ذخایر گاز طبیعی دنیا را در خود جای داده است می تواند برای قدرت های بزرگ که در فرآیند توسعه صنعت خود از آن استفاده می کنند، بسیار ارزشمند باشد. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۳۲۶ به نقل از یزدانی، ۱۳۹۱: ۳۲۰)

درحالی که تجارت دریایی در سراسر جهان در حال رشد است، اما هیچ جا به اندازه آسیا با افزایش تقاضا روبرو نیست. به عبارت بهتر، در اوایل دهه ۱۹۸۰م، اتفاقات مهمی در صحنه تجارت جهانی به وقوع پیوست. به طوری که برای اولین بار در تاریخ، تجارت بین دو سوی اقیانوس آرام با تجارت بین دو سوی اقیانوس اطلس برابر گردید. در نتیجه این منطقه با رشد پویای اقتصادی و با سهم فزاینده در تجارت جهانی شناخته شده است. به طوری که برای اولین بار در تاریخ، تجارت بین دو سوی اقیانوس آرام با تجارت بین دو سوی اقیانوس اطلس برابر گردید. در نتیجه این منطقه با رشد پویای اقتصادی و با سهم فزاینده در تجارت جهانی شناخته شده است. به طوری که تا سال ۲۰۱۰م، ۳۴ درصد از کل تولیدات جهان از منطقه آسیای شرقی بود و اروپای غربی و آمریکای شمالی را به ترتیب با ۲۶ درصد و ۲۵ درصد پشت سر گذارد. ضمن این که سهم آسیای شرقی در تجارت دریایی نیز تقریباً ۴۰ درصد محاسبه می شود که اروپای غربی و آمریکای شمالی را به ترتیب با ۳۷ درصد و ۲۰ درصد پشت سر گذاشته است. همه این موارد نشانگر آن است که علاوه بر اروپا و آمریکا، شرق و جنوب شرق آسیا نیز به امنیت انرژی در تنگه هرمز اتکای فزاینده ای دارد. فقط چند مین دریایی در این گلوگاه دریایی کافی است تا تجارت و امنیت انرژی در کشورهای همچون ژاپن، سنگاپور، مالزی، تایلند و... از کار بیفتد و به این ترتیب اقتصاد سنگاپور، ژاپن، چین و دیگر کشورها در این منطقه به معنای واقعی فلج خواهد شد. بدیهی است اقتصاد کشورهای جنوب شرق آسیا یکسره متکی به حمل و نقل دریایی است و از جمله واردات نفت خلیج فارس برای آنها بی

نهایت مهم است. (لشگری تفرشی، ۱۳۹۳: ۲۳۳) کشورهای بزرگ آسیا در حال تبدیل شدن به بازیگران مهم منطقه ای در خاورمیانه و به خصوص منطقه خلیج فارس هستند. یکی از دلایل اصلی آن، اقتصاد و نیازهای مبرم به نفت و گاز طبیعی است که کشورهای آسیایی را جلب می‌کند. آن‌ها مجذوب فرصت‌های بازار مصرف‌کننده، و در مورد آسیای جنوبی، صادرات میلیون‌ها نیروی کار برای ساختن دولت-شهرهای در حال ظهور شبه جزیره عربستان شده‌اند. (ابراهیمی فر و هدایتی، ۱۳۹۳: ۱۶۴) در بین این کشورها می‌توان قدرت‌هایی نوظهور مانند چین و هند را برشمرد.

۷. نتیجه‌گیری

ساختار امنیتی منطقه خلیج فارس به گونه‌ای است که در آن بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای به ایفای نقش می‌پردازند. به گونه‌ای که امنیت خلیج فارس ارتباطی تنگاتنگ با مسئله انرژی و امنیت آن دارد. کشورهای حاشیه خلیج فارس با ساختار سیاسی استبدادی و اقتصاد پترودلاری به شدت وابسته فروش نفت و تامین بودجه‌های گزاف خود برای مصرف کالاهای غربی هستند. در سوی دیگر، بازیگر فرامنطقه ای چون آمریکا به عنوان حامی این کشورهای استبدادی با اقتصاد نفتی عمل می‌کند. اما جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مستقل در منطقه ساختار امنیتی خلیج فارس را به گونه‌ای می‌بیند که همواره از سوی بازیگران فرامنطقه ای تهدید می‌شود و اجازه شکل‌گیری همگرایی منطقه ای میان کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران را برای دست‌یابی به امنیتی پایدار نمی‌دهند.

مسئله امنیت و مدیریت ژئوپلیتیک تنگه هرمز توسط ایران بحثی در ساختار امنیتی منطقه است و در ساختار امنیتی منطقه خلیج فارس جمهوری اسلامی ایران رویکرد دفاعی-تهاجمی را با توجه به حضور آمریکا در خلیج فارس به عنوان به عنوان تهدید امنیتی اتخاذ کرده است. به گونه‌ای که عوامل تنش‌زا در تنگه هرمز چنانچه تبدیل به تهدیدی جدی شود و امنیت ایران را با خطر مواجه کند بازدارندگی امنیتی در خلیج فارس از نظر ایران با امنیت عبور انرژی از تنگه هرمز ربط می‌یابد. از همین رو، جمهوری اسلامی ایران همواره بستن تنگه هرمز را به عنوان اهرم فشار مورد استفاده قرار داده است و چرایی و چگونگی بستن تنگه هرمز توسط ایران موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتیک آن و همچنین توان بالای نظامی آن مرتبط است. برتری قدرت ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز نشان می‌دهد که ایران در چه موضع برتری از موقعیت نظامی و جمعیتی قرار دارد و بستن تنگه هرمز با توجه به قدرت ایران عملی غیرقابل انجام نیست.

بستن تنگه هرمز و حتی تهدید به بستن این تنگه می‌تواند اخلاقی جدید در امنیت منطقه و اقتصاد جهانی ایجاد کند. به این خاطر که ساختار سیاسی-اقتصادی کشورهای عرب خلیج فارس و اقتصاد جهانی دارای وابستگی متقابل به ذخایر نفتی خلیج فارس و انتقال آن از طریق تنگه هرمز دارد. ساختار سیاسی استبدادی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ارتباطی تنگاتنگ با نفت دارد و بستن تنگه هرمز پیامدهای سنگینی برای این کشورها از جمله کسری بودجه سنگین در پی خواهد داشت. این پیامدها صرفاً محدود به امنیت خلیج فارس نیست و ساختار درهم‌تنیده امنیت انرژی و اقتصاد جهانی عملاً فراتر از منطقه می‌رود و هرگونه ناامنی در تنگه هرمز به شدت اقتصاد جهانی را متأثر می‌کند. به گونه‌ای که اقتصاد جهانی وابسته به تامین و امنیت انرژی خلیج فارس است اما در

سوی دیگر کشورهای عربی خلیج فارس به عنوان بازار مصرف کالاهای غربی نیز به شدت وابسته اقتصاد جهانی هستند و هرگونه خللی در این فرآیند دو سویه امنیت خلیج فارس و اقتصاد جهانی را به مخاطره خواهد می اندازد. فراتر از کشورهای غربی، وابستگی روزافزون قدرت های نوظهور آسیایی مانند چین و هند به ذخایر نفتی خلیج فارس نیز این نکته را نشان می دهد که امنیت انرژی نه تنها ثبات سیاسی و اقتصادی منطقه را تحت الشعاع خود قرار می دهد بلکه امنیت اقتصاد غربی و حتی قدرت های نوظهور آسیایی مانند چین و هند را تحت تاثیر قرار می دهد و به امنیت منطقه گره خورده است و قدرت ایران با تسلط بر شاهراه حیاتی انتقال انرژی توانی بالا برای مانور و کسب منافع به آن داده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اشرف نظری، علی، قنبری، لقمان (۱۳۹۳) «تنگه هرمز و امنیت انرژی در خلیج فارس؛ بازشناسی اهداف ژئواستراتژیک آمریکا»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۳
- ابراهیمی فر، طاهره، سعید هدایتی، سید امیر (۱۳۹۳) «تاثیر مناسبات فزاینده سیاسی-اقتصادی هند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر توسعه اقتصادی این کشورها»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره بیست و هشتم، صص ۱۶۳-۱۹۰
- اوتایل، ژنورویید و دیگران (۱۳۸۰) اندیشه های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. تهران
- ارگانسکی، ای، اف ک (۱۳۵۵) سیاست جهان، ترجمه دکتر حسین فرهودی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱) خلیج فارس و مسائل آن، سمت، تهران
- جعفری، علی اکبر، خاوش، اسما (۱۳۹۵) «بررسی ابعاد سیاسی، راهبردی و ژئوپلیتیک خلیج فارس. مطالعه موردی: تنگه هرمز»، همایش ملی خلیج فارس، جهاد دانشگاهی، دوره ۱۱، صص ۴۷۵-۴۸۶
- جهان آرا، حمید (۱۳۹۷) «بررسی سیاست های امنیتی ج.ا. ایران در خلیج فارس»، مجله بین المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۳۲، صص ۴۵-۶۵
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷) جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴) خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۰). تنگه هرمز، کدام استراتژی بستن یا نبستن، ۲۵ دیماه ۱۳۹۰، به آدرس www.hafeznia.ir
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۶) ژئوپلیتیک خلیج فارس (www.pub.isu.ac.ir)
- ربیعی، حسین، صادقی، موسی (۱۳۹۳) «تحلیل فرصت ها و چالش های جغرافیای سیاسی ایران در خلیج فارس در قرن بیست و یکم»، همایش ملی خلیج فارس، جهاد دانشگاهی، دوره ۱۰، صص ۴۳۵-۴۶۶
- زارعی، بهادر، مقدم، فاطمه، شفیع، شهاب الدین (۱۳۹۵) «تاثیر جهانی شدن بر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه خلیج فارس»، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۳، صص ۵۵۷-۵۷۶
- شاملو، رضا، فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۸) «بررسی پیامدهای سیاسی-اقتصادی تنش در تنگه استراتژیک هرمز»، مجله سیاست و روابط بین الملل، دوره ۳، شماره ۶، ۱۶۷-۱۸۸

- عاشوری، غلامرضا، عزتی، عزت اله، مرتضایی، شیدا (۱۳۹۷) «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تاکید بر نقش راهبردی منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره دوم، صص ۱۹۱-۲۱۴

- عباسی، ابراهیم، طالبی، صغری، نجات، سید علی (۱۳۹۵) «الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷ (پیاپی ۴۷)، صص ۵۹-۸۰

- قاسمی، جابر، عزیزی، زهرا (۱۳۹۵) «بررسی نقش ایران در امنیت انرژی خلیج فارس در معادلات جهانی پسابرجام»، یازدهمین همایش ملی علمی و فرهنگی و نخستین همایش بین المللی خلیج فارس، صص ۵۸۹-۶۰۳

- قاسمی، علی (۱۳۹۱) ژئوپولتیک تنگه هرمز و مزایای امنیتی اقتصادی آن برای ایران

www.farsnews.ir

- فرجی راد، عبدالرضا، هاشمی، سید مصطفی (۱۳۹۶) «عوامل موثر در ایجاد بی ثباتی سیاسی و امنیتی منطقه خلیج فارس»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره اول، شماره بیست و دوم، صص ۲۶۷-۲۹۳

- طائر، محمد (۱۳۹۳) «تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز در امنیت ایران، با تحلیل فرایند سلسه مراتبی AHP»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال دهم، شماره ۲۷، صص ۱۳۱-۱۵۸

- کریمی شروانی، محمود (آیا ایران می تواند تنگه هرمز را ببندد rasekhoon.net)

- گودرزی، مهناز، محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۶) «جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تنگه هرمز در سیاست منطقه ای ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست جهانی، دوره ششم، شماره سوم، صص ۱۰۳-۱۲۴

- لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۳) «اهمیت استراتژیک تنگه هرمز در انتقال منابع انرژی و بازساخت رقابت های ژئواستراتژیک»، همایش ملی خلیج فارس، جهاد دانشگاهی، دوره ۱۰، ۲۲۷-۲۳۸

- نامی، محدحسین (۱۳۸۶) تنگه ها و آبراه های جهان، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران

- ویسی، هادی (۱۳۸۶) «چالش های ژئوپلیتیکی ایران در منطقه خلیج فارس»، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۷۹

- هاشمی، سید مصطفی، منتظری، مرجان (۱۳۹۵) «نقش نظام های سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس در بی ثبات سازی امنیت خلیج فارس»، مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، دوره ۳، شماره ۷، صص ۹۵-۱۰۶

- یزدانی، عنایت الله، اکبریان، علیرضا (۱۳۹۱) «انرژی و روابط چین با خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، صص ۳۱۵-۳۳۴

- Cohen, saul.b (1994) Geopolitics in the new world era, chapter 2 in: reordering the world, edited by George. J. Demko & William B. world usa: Westview press

- Burgess, Jr, Ronald L (2010) Iran's Military Power, Statement before the committee on Armed Service. United States Senate.

- Jean, Marie (2007) Economics and Geopolitics of energy, Centre de Geopolitique de Energie et des Matieres Premieres (CGEMP). Universities Paris Duaphine

- Karabulut, Bilal (2005) Strateji Jeostrateji Jeopolitik, Ankara: Platin

